

درونمایه‌های فراروانشناسی

در آراء ملاصدرا

فروغ السادات رحیم‌پور^۱، مرضیه دژفر^۲

چکیده

ماده، شباهت دارد. نقش برخی از عوامل مؤثر در پدیده‌های فراروانی، از قبیل تمرکز و کاهش اشتغالات نفس در کسب آگاهی‌های غیبی، مورد تأکید صدرالمتهلین و فراروانشناسان بوده است. ملاصدرا اغلب از شیوه عقلی و استدلالی در تبیین امور فراروانی استفاده کرده، درحالیکه فراروانشناسان اغلب به شیوه‌های تجربی نظر داشته‌اند. همچنین، بعد درمانی فراروانی بیشتر مورد توجه دانشمندان در سده‌های اخیر قرار گرفته، درحالیکه ملاصدرا به این جنبه از کاربرد مطالعات فراروانی توجه چندانی نداشته است.

کلیدواژگان: فراروانشناسی، اتحاد عاقل و معقول، ملاصدرا، حکمت متعالیه.

مقدمه

فراروانشناسی آن‌دسته از مطالعات روانشناسی

مطالعات فراروانشناسی بدنبال تبیین آن‌دسته از قدرتهای فراروانی انسان است که با روشهای معمول علوم قابل بررسی نیستند. در این مقاله، با استفاده از منابع کتابخانه‌یی و رویکرد مقایسه‌یی، به بررسی درونمایه‌ها و پیشینه‌های این علم در آراء صدرالمتهلین پرداخته شده است. نتایج پژوهش حاکی از آنست که مطالعات فراروانی با بحث از قوای نفس و حقیقت نبوت در آثار فلاسفه اسلامی قابل مقایسه و ارزیابی است. ملاصدرا و فراروانشناسان، هر دو بر این باورند که فرایند کسب آگاهی از راههایی همچون رؤیاهای صادق و مراقبه، امکانپذیر است. همچنین دیدگاههای صدرالمتهلین در مباحثی مانند اتحاد عاقل و معقول و ارتباط مراتب هستی با یکدیگر، با تبیین دانشمندان غربی در باب اموری همچون دورآگاهی و تأثیر ذهن بر

۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)؛

f.rahimpour@ltr.ui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حکمت متعالیه، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ marziyehdezhfar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۷ نوع مقاله: پژوهشی

DOR: 20.1001.1.15600874.1403.30.1.6.3

است که به پدیده‌های فوق روانی همچون تله‌پاتی، تأثیرات ذهن بر ماده، غیبگویی و... می‌پردازد (راین، ۱۳۷۱: ۷ و ۸). پرسش اصلی در مورد این پدیده‌ها آنست که آیا میتوان بدون استفاده و دخالت حواس پنجگانه، به نوعی از ادراک و کسب آگاهی دست یافت؟ آیا میتوان تنها از طریق ذهن چیزی را ایجاد کرد؟

گزارشهایی از پدیده‌های فراروانشناسی همچون غیبگویی، پیش‌آگاهی و... از گذشته‌های دور تا زمان حاضر، در دسترس است. در سال ۱۸۸۲م، برای نخستین بار، در انگلستان انجمنی برای پژوهش و بررسی علمی اینگونه پدیده‌ها توسط گروهی از دانشمندان تشکیل شد. پس از آن، گروههای تحقیقاتی بسیاری در اینباره شروع به فعالیت کردند. اولین آزمونها، مربوط به بررسی مدعیات گروههایی بود که ادعا میکردند با ارواح درارتباطند. سالها مطالعه در مورد این گروهها، دانشمندان را به نتایج قابل استناد و متقنی دراینباره نرساند. اما این مطالعات بعدها توسط دانشمندانی چون ویلیام جیمز، ویلیام مک‌دوگال و... ادامه پیدا کرد (همان: ۱۳-۱۵).

برخی بر این باورند که در حال حاضر، با روشهای معمول علمی که مبتنی بر پایه‌های زیستی و فیزیکی هستند، نمیتوان چنین پدیده‌هایی را توجیه کرد، اما دانشمندان در چند دهه اخیر کوشیده‌اند به تبیینی صحیح از این امور دست یابند (هیلگارد، ۱۳۹۴: ۱۹۸). گروهی از

آنها بر این عقیده‌اند که گزارشهای متعدد از پدیده‌های فراروانی که برخی با شیوه‌های کنترل‌شده و در آزمایشگاه بدست آمده‌اند، حاکی از آنست که اصل وجود این پدیده‌ها قابل پذیرش است. آنها برای تبیین این داده‌ها از علوم تجربی همچون فیزیک کوانتوم بهره برده‌اند (Tressoldi, et al., 2010: pp. 81- 87).

با بررسی پیشینه مقالات علمی در زمینه فراروانشناسی، بنظر میرسد کمتر اثری مستقل به بحث از «درون‌مایه‌های فراروانشناسی در آراء ملاصدرا» اختصاص یافته باشد. این در حالی است که پژوهشگران به بررسی ابعاد مختلف اندیشه‌های صدرالمتألهین، همچون علم غیب و چگونگی ادراک، اهتمام ورزیده‌اند. مقالاتی همچون «تأویل روانشناسانه ملاصدرا در مسئله خواب و بررسی مبانی فلسفی آن» (شایسته و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۵-۸۵)، حاصل تلاشهایی در همین حوزه است. همچنین مقاله «نبوات در فلسفه ملاصدرا» (دیباچی، ۱۳۸۷: ۲۰۰-۱۸۱)، تنها به برخی از جنبه‌های نفس‌شناسی ملاصدرا پرداخته است. در این مقاله هیچیک از پدیده‌های فراروانی تبیین نشده است. همچنین مقایسه‌ی میان آراء ملاصدرا و فراروانشناسان صورت نگرفته است. بهمین دلیل، پژوهش حاضر، از این حیث نوآورانه است.

هدف اصلی نوشتار حاضر بررسی درون‌مایه‌ها و پیشینه‌های فراروانشناسی از منظر ملاصدرا، و پاسخ به این پرسش است که

موضوعات فراروانشناسی در آثار ملاصدرا چه جایگاهی دارند؟ و دیدگاههای وی در تبیین این امور، در مقایسه با فراروانشناسان غربی، چگونه ارزیابی میشود؟

بدین منظور، با استفاده از رویکرد مقایسه‌یی، به بررسی شش مورد از پدیده‌های فراروانشناسی - همچون دورآگاهی، رؤیاهای صادقه، آگاهی از طریق مراقبه، تأثیر ذهن در ماده، هیپنوتیزم و تأثیر روان‌گردانها در تجربه معنوی- در آثار ملاصدرا و فراروانشناسان پرداخته شد. همچنین دیدگاه پژوهشگران غربی و ملاصدرا در چگونگی تبیین این موضوعات بررسی گردید.

فراروانشناسی در آثار ملاصدرا

حکمای اسلامی اگرچه از اصطلاح فراروانشناسی در آثار خود، استفاده نکرده‌اند اما به این علم توجه داشته‌اند؛ آنها در بحث از موضوعاتی همچون نبوات، قوای نفس، خوارق عادات و... در اینباره سخن گفته‌اند. ملاصدرا نیز در برخی از آثار خود، از جمله الشواهد الربوبیه، مبدأ و معاد، شرح اصول کافی و... ضمن بحث از موضوعاتی چون حقیقت نبوت، نفس ناطقه، قوای نفس و... به منشأ و تبیین برخی از اعمال خارق عادت پرداخته است. بهمین دلیل، بنظر میرسد او نیز به این بخش از علم التفات داشته است. در ادامه به برخی از آراء او در این حوزه اشاره میکنیم.

۱. تله‌پاتی

تله‌پاتی یا دورآگاهی، واژه‌یی یونانی است. تله مترادف با دور، و پاتوس بمعنای احساس است. بنابراین، تله‌پاتی بمعنی احساس و درک و انتقال مفاهیم از راه دور است. این انتقال اطلاعات با استفاده از حواس پنجگانه انجام نمیشود و بهمین دلیل، تله‌پاتی در فراروانشناسی بکار میرود. در اینکه آیا همه انسانها دارای چنین قدرتی هستند، یا تنها بعضی از آنها این توانمندی را دارند، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از نتایج مطالعات فراروان، حاکی از آنست که میزان عمق رابطه عاطفی افراد با یکدیگر و علاقه و شوق آنها به هم، در انتقال اینگونه اطلاعات فراحسی تأثیرگذار است. ازاینرو، آزمایشهای مربوط به دوقلوها و افراد یک خانواده که روابطی قویتر با هم داشته‌اند، نتایجی بهتر نسبت به دیگر آزمایشها، نشان میدهند (رادین، ۱۳۹۳: ۱۴ و ۱۷). مسلماً فرد با انجام تمریناتی میتواند این توانمندی را در خود افزایش دهد (علیخواه، ۱۳۷۱: ۷۳). همچنین، محققان معتقدند دو عامل تمرکز و قدرت تلقین در تله‌پاتی نقشی مهم در انتقال اطلاعات دارند. از نظر آنها، هرچه تمرکز فرد افزایش یابد، افکار با سرعت بیشتری انتقال پیدا میکند (براون، ۱۳۷۱: ۵۸).

امروزه دانشمندانی نظیر دین رادین، در تلاشند با استفاده از روشهای کنترل‌شده، به

صحت ادعاها درمورد موضوعی فراروانی همچون تله‌پاتی پردازند. آزمایشهای «گازفلد» نشان میدهد که احتمال تصادفی بودن نتایج مربوط به ادعاها در مورد تله‌پاتی منتفی است. گازفلد واژه‌ی آلمانی و بمعنای «کل میدان» است. این واژه اصطلاحاً بیشتر بر نوعی خاص از آزمایشهای فراروانی، بویژه دورآگاهی، اطلاق میشود. در این آزمایشها، یک فرد در حالتی که از فرد اول دور است، سعی میکند پیامی را بصورت ذهنی به او ارسال کند. در این آزمایشها، چشم فرد اول با توپهای پینگ پنگ بسته شده، و با هدفون، یک آهنگ منقطع برای او پخش میشود. سپس از او میخواهند چشمان خود را از زیر توپها باز کند. پس از مدتی فرد حالتی دلپذیر را تجربه خواهد کرد. فرد دوم نیز میکوشد بصورت ذهنی، پیامهای خود را برای او بفرستد. سپس از گیرنده پیام میخواهند تا از میان چهار عکسی که به او نشان داده میشود، پیغام فرستنده را مشخص نماید. در این حالت، احتمال موفقیت بر اساس شانس، یک چهارم یعنی معادل ۲۵٪ بود، درحالیکه نتایج بیش از این عدد را نشان میداد. از نظر فراروانشناسان، این مسئله بیانگر اتفاقی نبودن نتایج آزمایشهای گازفلد است. بعنوان مثال، رادین بر این باور است که متاتحلیلهای انجام شده از تعداد بسیاری از این ادعاها، حاکی از آنست که پدیده‌های فراروانی،

دست‌کم برای برخی افراد، رخ میدهند (رادین، ۱۳۹۳: ۹۳-۸۹ و ۱۶۸).

امروزه افرادی همچون رادین، میکوشند با استفاده از دیدگاههای جدید در فیزیک کوانتوم، چگونگی اینگونه رخدادها را تبیین کنند. بر اساس یافته‌های وی، یکی از نظریاتی که به درک فراروانشناسی کمک کرده است، درهم تنیدگی ذهن و جهان در فیزیک کوانتوم است. بنا بر این تحلیل، پدیده‌های جهان موجوداتی جدا و متمایز از یکدیگر نیستند و واقعیاتی مستقل و مجزا بشمار نمی‌آیند (همان: ۱۷۶ و ۱۷۸). در فیزیک نوین، مفاهیم فضا و زمان در معرض اضمحلال قرار گرفته است. لامکانی جایگزین فرض موضعی بودن شده و درهم تنیدگی جهان نشانگر آنست که کنش بیواسطه عجیب بنظر نمیرسد. بهمین دلیل، راه برای تبیین پدیده‌های فراروانی باز شده است (همانجا).

یکی از پرسشهایی که در انواع مختلف پدیده‌های فراروانی، بویژه دورآگاهی، مطرح است، آنست که فرایند کسب آگاهی در اینگونه پدیده‌ها چگونه تبیین میشود و مشاهده‌گر چه نقشی در آنها ایفا میکند؟ در فیزیک کلاسیک، پاسخ به این پرسشها دشوار بنظر میرسید، زیرا مشاهده‌گر از آنچه مشاهده میشود، جدا بود و اجسام مستقل از ناظر بشمار می‌آمدند. اما در فیزیک نوین، آزمایشگران از پدیده‌ها جدا نیستند. بوهر معتقد است: «در نمایش بزرگ

وجود، خود ما هم بازیگر هستیم هم تماشاچی» (همان: ۱۸۰).

رادین بر این باور است که مشاهده‌گر دیگر نقش ناظر خارجی را ندارد و آنچه مشاهده میشود، دارای حقیقتی جدا از مشاهده‌گر نیست؛ ازاینرو، دوگانگی میان پدیده‌های فراروانی و ناظر از بین میرود. همچنین این مسئله آشکار میشود که چگونه اطلاعات، بدون استفاده از حواس معمول، درک میشوند. بنابراین، این نظریه میتواند به درک بنیادین انسان از مسئله علم منجر گردد.

گرچه رابطه فیزیک نوین و آراء ملاصدرا بحثی مستقل میطلبد، اما ظاهراً تبیین رادین از چگونگی وقوع تله‌پاتی، با نظریه اتحاد مدرک و مدرک (اتحاد عاقل و معقول) در فلسفه ملاصدرا همخوانی دارد. صدرالمتألهین در آثار متعدد خود از این نظریه سخن گفته است. از نظر او نفس انسانی وجودی سیال دارد که بواسطه حرکت جوهری، مراتب مختلف را طی میکند. ملاصدرا در اینباره میگوید:

و چون [نفس انسانی] به مرتبه عقل بالفعل رسید، حیات وی حیات هر موجودی است که مادون اوست. و ملکوت این اشیاء بدست اوست (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۲۹۰).

بر اساس آموزه‌های حکمت متعالیه، انسان جامع جمیع نشئات وجودی است. بهمین دلیل، آنچه مشاهده میکند، همان چیزی است

که در ذات خود میبیند. نفس انسانی به درجه‌یی از کمال و فعلیت دست می‌یابد که موجودات جهان، اجزاء ذات وی بشمار می‌آیند. قدرت وی در همه موجودات جهان ساری و جاری است. هرچه مشاهده میکند، قبلاً آن را در ذات خود مشاهده کرده است (همانجا). بهمین دلیل، بنظر میرسد دیدگاه ملاصدرا از حیث محتوا و نتایج، با آراء رادین در این زمینه قرابت دارد و مشاهده‌گر نقش ناظری منفصل و جداگانه از مشاهده‌شده ندارد. البته روش صدرالمتألهین در تبیین مبانی خود، بیشتر عقلی و استدلالی، و گاه مبتنی بر کشف و شهود است؛ اما فراروانشناسان اغلب برای تحلیل پدیده‌ها از روش تجربی و آزمایشگاهی استفاده میکنند.

۲. خواب

تحلیل خواب و رؤیا همواره برای انسانها جذاب بوده است. بگفته هیلگارد، برخی از روانشناسان بر این باورند که «رؤیا دیدن حالتی تغییر یافته از هشیاری است که در آن، داستانهای مصور بر اساس خاطره‌ها و جنبه‌های با اهمیت روزمره یا تخیلات و تصورات، ساخته میشوند» (هیلگارد، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

محققان تاکنون درباره علت خواب دیدن به نتایج قطعی دست نیافته‌اند؛ اگرچه برخی از شواهد نشان‌دهنده آنست که برخی از تلقینات و حوادث پیش از خواب، در رؤیاها

تأثیرگذارند، اما این بمعنای توانایی کنترل فرد در مضامین رؤیاهای نیست (همان: ۱۸۳-۱۸۲).

در تحلیل محتوای خوابها، دیدگاههایی مختلف مطرح شده است. فروید آنها را بیانگر ترسها و امیال سرکوب شده در ناخودآگاه میدانست. دیدگاه او بعدها توسط پژوهشگران دیگر مورد نقد قرار گرفت. از نظر آنها، خوابها دارای معانی روانشناختی هستند (همان: ۱۸۴). یونگ رؤیاهای را حقایق عینی می‌شمارد که مستقل از خودآگاه هستند، نه محصول اختراع افراد. از نظر وی، فهم صحیح خوابها مهمترین روش کشف ناخودآگاه است و میتواند در درمان تحلیلی استفاده شود. یونگ کشف حقایق نهفته در رؤیاهای بسیار دشوار میدانست که باید با بیطرفی همراه باشد (یونگ، بی تا: ۴۵-۴۳).

گزارشهای مبتنی بر وجود رؤیاهای صادق، فراروانشناسان را نیز به تحقیق در این حوزه واداشت. آنها بر این باورند که خوابها میتوانند بمنزله کانالهایی برای ارتباطهای ذهنی عمل نمایند. برخی از آزمایشها بیانگر آنند که بعضی از اطلاعات بوسیله تلهپاتی در خواب انتقال می‌یابد. مانتیگیو آلمن و استنلی کریپنر معتقدند: «ذهن انسان دارای نوعی توانایی فراحسی پنهانی است که احتمالاً فقط در خواب بکار گرفته میشود» (لایف بوکس، ۱۳۷۹: ۸۹-۸۷).

حکمای اسلامی نیز به مسئله خواب و رؤیا بیتوجه نبوده‌اند و در آثار مختلف خود به تبیین

این مسئله پرداخته‌اند. ملاصدرا خواب را «حبس روح بخاری از ظاهر به باطن» میداند. در این هنگام، نفوس انسانی باقی میمانند و اگر شرایط فراهم باشد، به جواهر عقلی عالم متصل میشوند. او جواهر عقلی را همان لوح محفوظ میداند که نقوش جمیع موجودات در آن هویداست. نفس انسانی با اتصال به جواهر عقلی، نقوش مرتسم در آنها را میپذیرد و از اینرو، از امور مربوط به کائنات آگاه میشود. میزان اتصال و دریافت علوم مختلف از جواهر عقلی، با قوت نفس و اهداف و همم آن، ارتباط مستقیم دارد.

اتصال به این جواهر و مبادی عالی عالم، مشروط به برطرف شدن موانع و حجابهای میان نفس و آنهاست. این حجابها بسبب اشتغالاتی که از حس بر نفس وارد میشود، بوجود می‌آیند. انسان میتواند بوسیله صفای نفس و ریاضتهای علمی و عملی، این حجابها را برطرف سازد. البته این حجابها با مرگ نیز از بین میروند. هنگام خواب نیز بدلیل کاهش اشتغالات، این حجابها تا اندازه‌ی رفع میشوند. وضوح، شفافیت و مطابقت رؤیاهای با واقعیت متفاوت است. اگر خوابی که دیده میشود، به دور از تصرفات متخیله باشد، این رؤیا نیازی به تعبیر ندارد و خوابی صادق بشمار می‌آید. اگر قوای متخیله در انسان غالب و ادراک صور ضعیف باشند، حقایقی که انسان در خواب میبیند نیازمند تعبیر و تفسیر نیست.

این در صورتی است که آن خواب دارای معنا و مقصود مشخصی باشد؛ اما این احتمال نیز وجود دارد که یک خواب هیچ معنای مشخصی نداشته باشد.

بنا بر این نظریه، آگاهی نفس از امور غیبی هنگام خواب، بدلیل کاهش اشتغالات حسی و اتصال نفس به جواهر عقلی و نفسی بدست می‌آید. آگاهی به غیب نیز به زمان خواب اختصاص ندارد. برخی از نفوس، بدلیل قوت و قدرتی که دارند، در بیداری نیز میتوانند از غیب آگاه شوند و اشتغال آنها به امور محسوس، مانع این اتصال و آگاهی نمیشود. قوت نفس گاهی بدلیل طبیعت نفس، و گاه، اکتسابی است (ملاصدرا، ۱۳۸۱ الف: ۲ / ۷۹۸-۷۸۱).

صدرالمآلهین در بحث آگاه شدن نفس از علوم جزئی، بر این باور است که صور خیال بگونه منفصل در جهان غیب موجود است و نفس تنها آنها را مشاهده کرده و از آنها آگاه میشود. در این دیدگاه، نفس نقش آینه را دارد و وقتی صور منفصله در آن انعکاس می‌یابد، هر دو عالم بر یکدیگر منطبق میشوند (همو، ۱۳۸۲: ۴۰۶-۴۰۴).

به اعتقاد ملاصدرا، نفس قادر است بوسیله اتصال به مجردات، از حوادث آینده آگاه گردد. از سوی دیگر، با کاهش اشتغالات بدنی هنگام خواب، نفس انسانی میتواند علوم را دریافت کند. علت آگاهی از برخی امور در خواب،

استعداد نفس و کاهش اشتغالات نفسانی است. این دو عامل، بهمراه برخی ریاضتها و تمرینهایی مثل افزایش تمرکز و مراقبه، میتوانند منجر به آگاهی انسان از حوادث آینده شوند.

۳. تأثیر ذهن در ماده

گزارشهای متعددی از تأثیر انسانها بر ماده، بدون دخالت راههای معمول حسی، روایت شده است؛ از جمله انسانهایی که با قدرت تمرکز، میتوانند اشیاء را جابجا نمایند، یا آنها را از زمین بلند کنند و در هوا معلق نگه دارند. چنین توانمندیهایی را در فراروانشناسی ناشی از تأثیر ذهن بر ماده میدانند. بعضی محققان بر این باورند که این شاخه از پژوهشها را میتوان مترادف با «تصرف» در ادبیات عرفانی فارسی دانست. آنها شواهدی از آثار عرفایی همچون عطار، جامی و... در اینباره ذکر میکنند (روگو، ۱۳۷۳: ۲۰-۹). بعنوان مثال، عطار در احوال ابراهیم ادهم، نقل کرده است که روزی وی:

با بزرگی بر سر کوهی نشسته بود و سخن میگفت. این بزرگ از او پرسید که نشان آن مرد که به کمال رسیده بود، چیست؟ گفت اگر کوه را گوید که برو، در رفتن آید. در حال کوه در رفتن آمد. ابراهیم گفت: ای کوه، من تو را نمیگویم که برو ولیکن بر تو مثل میزنم (عطار، ۱۳۷۹: ۱۷۷).

در گزارشهای کلیسا نیز روایتهای بسیاری از این نوع موجود است. نخستین بار، جی. بی. راین به بررسی اینگونه از گزارشها با روش آزمایشگاهی پرداخت (روگو، ۱۳۷۳: ۹-۲۰). فراروانشناسان معتقدند، همانگونه که انسانها دارای استعدادهای هنری و علمی متفاوت هستند، تأثیر ذهن بر ماده نیز خاص نیست. گزارشهای مختلف حاکی از آنست که حتی افرادی با خوهای شیطانی نیز دارای چنین استعدادهایی هستند. بنابراین، انجام چنین اعمالی بیانگر تقدس فرد نیست (همان: ۲۹۴-۲۹۳).

بنظر میرسد ملاصدرا نیز به مسئله اثرگذاری ذهن بر ماده بیتوجه نبوده است. برای درک بهتر آراء او در اینباره، میتوان به مباحثی همچون قدرت نفس، مثال بودن نفس برای خدا، و اتحاد عاقل و معقول در آثار او مراجعه کرد. در ادامه به اجمال به شرح دیدگاههای او در اینباره میپردازیم.

الف) قدرت نفس

بعقیده صدرالمآلهین، نفس انسانی در اثرگذاری بر عالم اجسام، تواناست. اگرچه او بجای واژه ذهن، از نفس استفاده کرده، اما ظاهراً دیدگاه وی در تبیین تأثیرگذاری ذهن بر ماده، با دانشمندان غربی قابل جمع است.

او تأثیرگذاری نفس در جهان خارج و انجام اعمال خارج از عادت را منحصر به مقام ولایت اولیا و انبیای الهی نمیداند. از نظر وی، راهبان

و کسانی که از اجنه کمک میگیرند نیز توانایی انجام برخی از این امور را دارند (ملاصدرا، ۱۳۸۶: ۲/۷۷۸). او انسانها را از حیث بفعلیت رسیدن مبادی ادراکات - یعنی قوای احساس، تخیل و تعقل - متفاوت میدانند و معتقد است نفس انسانی با بفعلیت رسیدن قوای عقلیش، به مشاهده ملائکه مقربین و اتصال به ملائعالی نایل میگردد. با به کمال رسیدن قوه مصوره، نفس، اشباح و صور مثالی را مشاهده کرده و از علوم جزئیة حال، گذشته و آینده آگاه میشود. همچنین بوسیله قوه حساسه، در امور جسمانی، بر حسب وضع و محاذات بین حس و مواد جسمانی، اثر میگذارد. کسی که در همه این نشئات وجودی به کمال برسد، رسول و فرستاده الهی است. او از ناحیه جزء عملی نفس و قوای تحریکی آن، به چنان مرتبه‌یی از قدرت رسیده که میتواند بر عالم جسمانیات تأثیر بگذارد؛ صورتی را از ماده گرفته و صورتی جدید به آن ببخشد (همو، ۱۳۸۲: ۴۰۴-۳۹۹).

پس از رسولان و فرستادگان الهی، سایر انسانها با طی طریق در مسیر حکمت و عرفان، به مقامی نایل میشوند که عرفا و متصوفه، آن را مقام «کن» مینامند. در چنین مقامی، عارف همچون خداوند، هر چه فرمان دهد، بیدرنگ انجام میشود. ملاصدرا با استناد به برخی از احادیث، این مرتبه را نتیجه اطاعت از اوامر و نواهی حق تعالی میدانند (همو، ۱۳۸۱: ۱۶/۱۰). او به ابرها فرمان میدهد و باران میبارد، به

اشاره وی، بیماران شفا یافته و با نفرینش، قومی هلاک میشوند.

از منظر ملاصدرا، همه نفوس قادر به تأثیر در بدن و عالم مخصوص به خویشند. هر اندازه که نفوس در مقامات مختلف قویتر شوند، اثرگذاری آنها بیشتر میشود. اگر نفس از لحاظ علمی و عملی ضعیف باشد، تأثیر آن در محدوده بدن خود باقی میماند و نمیتواند در بدن یا عالم دیگری اثر بگذارد، اما هرچه قویتر شود، در اجرام و اجسام این عالم، بیشتر تأثیر میگذارد.

وقایعی همچون چشم‌زدن اشخاص یا حیوانات و ابنیه نیز از جمله افعال قوای نفس است. در اینگونه اتفاقات، نفس بدلیل قدرتی که کسب کرده، علاوه بر بدن خویش، قادر به اثرگذاری بر بدنی دیگر نیز میشود (همو، ۱۳۸۲: ۳۹۹-۴۰۴). ملاصدرا هیولای عالم را متأثر و مطیع نفوس متعالی انسانی میدانند و معتقد است اجسام، فرمانبردار مجردات بوده و سایه آنها بشمار می‌آیند. بنابراین، هر اندازه نفس از تجرد بیشتری برخوردار شود و به مبادی قصوی شباهت یابد، قدرت و تأثیرش بر مادیون، افزایش خواهد یافت.

ب) نفس مثال خداوند است.

از نظر صدرالمُتألهین، خدای متعال منزّه از آنست که مثل و ماندی داشته باشد، اما مثالهایی دارد که جلوه او هستند. او انسان را

مثل اعلای خداوند معرفی میکند که بر صورت او آفریده شده و مظهر جمیع اسماء الهی است. بر این اساس، انسان از حیث ذات، صفات و افعال، مثال الهی است و معرفت وی منجر به معرفت خداوند میشود. نفس انسانی ذاتاً دارای قدرت، علم و حیات است؛ مملکت او شبیه مملکت ذات باری تعالی است، بنابراین مانند او، آنچه را بخواهد و اراده کند، می‌آفریند. چنین کسی صاحب مقام خلیفه‌اللّهی است و با اراده خود، در عالم ملک و ملکوت تصرف میکند (همو، ۱۳۸۹: ۱۰۸-۱۰۹؛ همو، ۱۳۸۳: ۳۱۷-۳۱۴).

ملاصدرا مقام خلیفه‌اللّهی را منحصر به شخصی خاص نمیداند و میگوید:

كل واحد من أفراد البشر - ناقصاً كان أو كاملاً - له نصيب من الخلافة بقدر حصة إنسانية، لقوله تعالى: «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ»، يشير إلى أن كل واحد من أفاضل البشر و أراذلهم خليفة من خلفائه (همو، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

بنابراین، قدرت تصرف در جهان منحصر به افرادی خاص نیست و هرکس به‌اندازه بهره‌گیری از حصة انسانی، قادر به خلق و تصرف در جهان است.

ج) اتحاد عاقل و معقول

نظریه اتحاد عاقل و معقول، میتواند در تبیین چگونگی اثرگذاری نفس بر ماده راهگشا باشد.

بنا بر این دیدگاه، پس از آنکه نفس انسانی با عقل فعال اتحاد یافت، تمام موجودات جهان ذات او بشمار می‌آیند. در چنین شرایطی، همانگونه که نفس در بدن خود اثر میگذارد و آن را تدبیر میکند، بهمان اندازه نیز میتواند پدیده‌های مختلف جهان را تدبیر کند (همو، ۱۳۸۲: ۲۹۰-۲۸۹). از اینرو، اگرچه دیدگاه دانشمندان غربی در مورد امور فراروانی همچون اثرگذاری ذهن بر ماده، اغلب ناظر بر بُعد مادی و تجربی جهان است، اما اینگونه مسائل فراروانی با آراء ملاصدرا در تعارض نیست.

۴. مراقبه

امروزه گزارشهای متعددی از روشهای مختلف کسب آگاهی در دسترس محققان است. یکی از این روشها، مراقبه و مدیتیشن است. مراقبه در اصطلاح فراروانشناسی به:

حالتی گفته میشود که در آن، هوشیاری در فرایند مراسم و تمرینهایی، تغییر پیدا کند، کنترل و تنظیم تنفس، محدود کردن توجه و تمرکز، خاموش‌سازی محرکهای بیرونی، قرار دادن بدن در وضعیت خاص یوگا، و شکل دادن به تصویرهای ذهنی درباره یک رویداد یا نماد، از جمله این حالتها هستند (هیلگارد، ۱۳۹۴: ۱۸۵).

فرد در نتیجه این اعمال، احساس آرامش کرده و تجربیاتی عرفان‌گونه پیدا میکند. او

خود را در جهانی فراتر از هوشیاری خویش می‌یابد (همانجا). امروزه از مراقبه و مدیتیشن برای کاهش اضطراب و استرس و درمان برخی بیماریها استفاده میکنند. بررسی این مسئله از این حیث که در آن، فرد از حالات معمول برای کسب آگاهی و هوشیاری بهره نمیگیرد، در فراروانشناسی انجام میشود.

اندیشمندان مسلمان در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی - همچون عرفان، اخلاق و فلسفه - به مسئله مراقبه نفس پرداخته‌اند. در این میان، ملاصدرا در کشف علوم قائل جایگاهی ویژه برای مراقبه است. وی نفس انسانی را همچون آینه‌یی میداند که درک معقولات بواسطه آن صورت میگیرد. او بر این باور است که همه دلها بر اساس فطرت خود، در آینه بودن بالقوه‌اند و برخی بواسطه اعمال صالحه و ریاضات شرعی، فعلیت یافته‌اند. از نظر او، همچنانکه زنگ کدورت مانع از انعکاس تصاویر در آینه محسوسات میشود، زنگار گناهان و خبثات نفس نیز مانع از تجلی نور حق و درک معارف میگردد. او تأثیر گناهان و معاصی در نفس را تشکیکی دانسته و معتقد است هیچ گناه و خطای کوچک و بزرگی نیست، جز آنکه در نفس اثر میگذارد. اگر معاصی فرد افزایش یابد، ظلمات در دل او رسوخ کرده و از انکشاف علوم در دل، بیبهره میماند (ملاصدرا، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۱).

صدرالمتألهین با استناد به برخی از احادیث نبوی و همچنین سیره عرفایی چون جنید، گرسنگی و تشنگی را راهی برای تهذیب نفس دانسته است. بنابراین، اینگونه از مراقبات و ریاضات که با کاهش اشتغالات نفسانی به بدن همراه است، از نظر او، سبب طهارت نفس و انکشاف مفاهیم عالییه میشود (همو، ۱۳۸۶: ۲/۷۵۵).

این حکیم الهی رسیدن به زیست عالمانه را مشروط به ریاضتهای شرعی میداند. او همچنین از جاه‌طلبی و میل به ریاست، بعنوان بزرگترین موانع درک حقیقت یاد میکند. او در آثار خود، روی آوردن به محراب سلاطین را نشان عالم‌نمایان و مغایر اخلاق مخلصین دانسته و در معرفی نشان اهل یقین که دلشان به نور علم روشن گشته، میگوید: «(آنها) چنان از صحبت مردمان متوحش گردند که کسی از صحبت مردگان همچنان نفرت کند» (همو، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۰).

صدرالمتألهین تا آن اندازه بر نقش مراقبه و تهذیب در درک حقایق تأکید دارد که پرداختن به حکمت بدون مراقبه و تهذیب را سبب گمراهی فرد و دیگران میداند. او به حکما و صوفیان توصیه میکند که اگر خواهان باز شدن درهای حکمت و معرفت بروی دانش‌پژوهان هستند، آنها را به تهذیب نفس و انجام آداب شرعی تشویق نمایند. تنها در این حالت است که گنج حکمت بدست می‌آید (همو، ۱۳۶۶: ۱۳۶۶).

۶۰ و ۶۱). وی همچنین بسیاری از فیلسوفان و بزرگان اهل حکمت در گذشته، همچون سقراط، را اهل مراقبه نفس معرفی میکند (همو، ۱۳۸۱ج: ۳۵۴) و اذعان میدارد که بسیاری از دقایق فلسفی را بر اثر مراقبه و در حالت مکاشفه یا الهام قلبی، بدست آورده است (همو، ۱۳۸۳: ۲۰۶).

بنظر میرسد میان مراقبه در عرفانهای شرقی و مدیتیشن در فراروانشناسی، با آراء ملاصدرا تفاوت‌هایی وجود دارد. بعنوان نمونه، روش صدرالمتألهین، محدود و مشروط به احکام شرعی است، درحالیکه در فراروانشناسی چنین قیدی وجود ندارد. همچنین مدیتیشن و مراقبه در فراروانی، بدلیل کسب آگاهی و همچنین درمان استرس و... دارای اهمیت است. مراقبه از نظر علمای اسلام، بویژه ملاصدرا، گرچه منجر به کسب حکمت میگردد، اما بعنوان ابزاری برای رسیدن به قرب الهی استفاده میشود. با این حال، در هر دو، با کاهش اشتغالات مادی و همچنین انجام تمریناتی، فرد به کسب نوعی از آگاهی نایل میشود که با کسب آگاهی بشیوه معمول، متفاوت است.

۵. هیپنوتیزم

هیپنوتیزم واژه‌ی یونانی و بمعنای «خواب کردن» است. مسمر،^(۱) برای نخستین بار در سال ۱۷۶۶م. توانست بیماران خود را به هیپنوتیزم یا

خواب مصنوعی فرو ببرد. او از این روش برای درمان بیماران خود استفاده میکرد. هراندازه که فرد بهتر تمرکز کند و تلقین پذیرتر باشد، هیپنوتیزم بهتر و راحتتر انجام میشود. بنابراین، در هیپنوتیزم تمرکز و تلقین دو عامل بسیار مهم بشمار می‌آیند (شرتوک، بی تا: ۱۲-۴). در این فرایند، فردی که خواهان هیپنوتیزم است، اختیار برخی اعمال خود را به درمانگر واگذار میکند (هیلگارد، ۱۳۹۴: ۱۸۶). هیپنوتیزم‌کننده باید سعی کند با فرد رابطه عاطفی برقرار کند و اطمینان او را بدست آورد. در چنین حالتی فرد براحتی هیپنوتیزم شده و تحت القاءات درمانگر قرار میگیرد (شرتوک، بی تا: ۱۶). امروزه از این روش برای درمان بیماریهای مختلف استفاده میشود.

هیپنوتیزم درجات مختلف دارد و ممکن است در آن، فرد به خواب سبک یا عمیق فرو رود. عمق خواب یا خلسه‌یی که فرد باید در آن قرار گیرد، وابسته به درمانی است که انجام میگیرد. بعنوان نمونه، درجه خلسه برای درمانهای دندانپزشکی با درجه خلسه برای القاء مسائل مربوط به بینایی، متفاوت است. همچنین فرد میتواند با روشهای گوناگون، مثل هیپنوتیزم بوسیله اشیاء یا با استفاده از برخی داروها، به خواب برود (همان: ۲۸-۲۵ و ۶۱؛ مک‌گیل، ۱۳۷۲: ۴۰۷-۴۰۶).

واژه هیپنوتیزم اگرچه در آثار حکمای اسلامی استفاده نشده است، اما بنظر میرسد اندیشمندانی

چون ملاصدرا از فرایند آن آگاه بوده‌اند. او بر این باور است که گاه با ایجاد اضطراب و وحشت در حواس ظاهری و محیر کردن قوه خیال، میتوان به برخی از امور غیبی دست یافت. این روش معمولاً مورد استفاده کاهنان و برخی از صوفیان بوده است. آنها بوسیله حرکات اشیائی درخشان و آغشته به رنگهای جذاب، سبب تحیر و رعشه در چشم افراد میشدند. این اعمال معمولاً به‌همراه سماع، دست زدن و القاء اوراد نامفهوم انجام میشد. استنطاقگران میکوشیدند با استفاده از اختلالاتی که با این روش در حواس پنجگانه افراد رخ میداد، به برخی از اسرار آگاهی یابند (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۴۰۶-۴۰۵).

روشهایی که صدرالمتهلین در اینجا بیان میکنند، با آنچه در برخی از انواع فراروانشناسی همچون هیپنوتیزم مورد بررسی قرار میگیرد، بسیار قرابت دارد، زیرا در هر دو مورد، فرد با توجه به یک شیء خارجی دچار نوعی خلسه و بیهوشی شده و میتواند برخی از امور را دریافته یا بیاد آورد. در مورد هیپنوتیزم، گفته شد که هر اندازه فرد تلقین پذیرتر باشد، فرایند هیپنوتیزم آسانتر انجام میشود؛ ملاصدرا نیز بر این باور است که تأثیرپذیری نفس سبب نوعی از آگاهی و القاء برخی مفاهیم به فرد میشود. بنظر میرسد او در بیان اینگونه امور، به مسائل پزشکی و درمان بیماریها توجهی نداشته است؛ درحالیکه امروزه هیپنوتیزم بعنوان یک روش درمانی مورد بحث است.

۶. روانگردانها و تجربه معنوی

برخی تحقیقات بیانگر آنست که استفاده از برخی داروها بر هوشیاری فرد تأثیر میگذارد. منظور از دارو، هر ماده‌یی جز غذا، است که مصرف آن منجر به تغییر عملکرد در انسان میشود. بنابرین، کافئین، الکل و نیکوتین، همه جزو داروها بشمار می‌آیند، زیرا هوشیاری فرد را تحت تأثیر قرار میدهند. برخی از این داروها برای کاهش میزان استرس و اضطراب و درمان افسردگی استفاده میشوند. مصرف بعضی دیگر از داروها، همچون روانگردانها، الکل و... آسیبهای جدی به سلامت جسمی و روانی فرد وارد میکند. این داروها منجر به ایجاد توهم در شخص، و در بسیاری از موارد، سبب افزایش استرس و اضطراب میگرددند (هیلگارد، ۱۳۹۴: ۱۸۸-۱۹۸). البته برخی از گزارشها حاکی از آنست که بعضی افراد بر اثر استعمال این داروها نوعی تجربه معنوی کسب کرده‌اند.

استفاده شمنها از نوعی کاکتوس بنام «پیوته» نیز طی مراسمی خاص و برای کسب نوعی آگاهی بوده است. کاکتوس حاوی مواد توهم‌زای مسکالین است و میتواند هوشیاری انسان را مختل سازد (لایف‌بوکس، ۱۳۷۹: ۹۵-۹۸).

آنها (شمنها) برای دستیابی به حالت دگرگون شده ضمیر ناخودآگاه خود،

روشهایی را بکار میبرند که شباهت زیادی به شیوه‌هایی دارد که در آزمون فراروانشناسی مدرن نیز از آن استفاده میشود (همانجا).

بنابرین، با توجه به تأثیرات داروها در سطح هوشیاری، میتوان ادراکات افرادی که از این مواد استفاده کرده‌اند را در مطالعات فراروانی مورد بررسی قرار داد.

ملاصدرا نیز بیماری و ضعف قوای طبیعی بدن را از جمله عوامل مؤثر در امکان دریافت امور غیبی میداند. او برخی از اعمال و گفته‌های بیماران مبتلا به مالیخولیا، یا کسانی که در عضو دماغی آنها اختلالی روی داده، را ناشی از همین امر میداند و میگوید: آنها بدلیل اختلال و بیتوجهی به قوای حسی و ظاهری، قادر به درک برخی علوم غیبی هستند (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۴۰۶-۴۰۴). او همچنین تغییرات مزاجی در بیماران مبتلا به صرع را در آگاهی از امور غیبی مؤثر دانسته است (همو، ۱۳۸۷: ۸۴). با توجه به دلیلی که صدرالمتألهین برای دسترسی دیوانگان به غیب آورده، میتوان این ادعا را پذیرفت که داروها و خوراکیهای مختلف صنعتی یا طبیعی، اعم از مجاز و غیرمجاز، اگر در اعضای ادراکی انسان یا طبع وی، اختلال و تغییر ایجاد کنند، میتوانند موجب دسترسی به برخی از عوالم غیبی و بعضی تجارب معنوی یا شبه معنوی شوند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فراروانشناسی بعنوان شاخه‌یی از مطالعات علمی، امروزه در بسیاری از مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی مورد بحث و بررسی است. در این مقاله کوشیده‌ایم به برخی از آراء ملاصدرا در اینباره بپردازیم. نتایج این پژوهش حاکی از آنست که:

۱. صدرالمتألهین اگرچه از عباراتی همچون تله‌پاتی یا هیپنوتیزم استفاده نکرده، اما در مباحثی همچون قوای نفس، رابطه‌ی نفس و بدن، و حقیقت نبوت، به تبیین پدیده‌های فراروانی پرداخته است.

۲. روش ملاصدرا درباره‌ی امور فراروانی با اندیشمندان غربی، اغلب تفاوت دارد. بنظر میرسد تفاوت برخی مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی، در اینگونه اختلافات روشی مؤثر باشد. ملاصدرا در تبیین اموری همچون نفس‌شناسی و حرکت جوهری، به برخی دیگر از مبانی خویش همچون اتحاد عاقل و معقول دست یافته که میتواند به تبیین برخی امور فراروانی، همچون تله‌پاتی، منجر گردد. اما روش بحث نزد فراروانشناسان، معمولاً تجربی و ناظر به داده‌های آزمایشگاهی است.

۳. امور فراروانی در مطالعات غربی، علاوه بر روشی برای کسب آگاهی، بعنوان ابزاری برای درمان بسیاری از بیماریها مورد توجه قرار

گرفته است. بنظر میرسد در آثار صدرالمتألهین وجه درمانی این امور بررسی نشده است.

۴. تأثیرگذاری ذهن بر جهان ماده، یکی از اموری است که در فراروانشناسی مورد بحث قرار گرفته است. آنچه فراروانشناسان به ذهن نسبت داده‌اند، ملاصدرا مربوط به نفس دانسته است، اما تعارضی میان این مباحث دیده نمیشود. ملاصدرا در مباحثی همچون قدرت نفس، مثال بودن نفس نسبت به خدای تعالی، و اتحاد عاقل و معقول، در اینباره سخن گفته است.

۵. عواملی همچون تلقین و تمرکز در تبیین امور فراروانی، مورد تأکید مشترک صدرالمتألهین و فراروانشناسان است. ملاصدرا در آثار خود از قدرت تلقین با عنوان اثرگذاری یا اثرپذیری نفوس بحث کرده است. او همچنین کاهش اشتغالات بدنی را یکی از عوامل کسب آگاهیهای غیبی شمرده است.

۶. بروز برخی تغییرات در قوای مغزی انسان، که منجر به تغییر سطح هوشیاری در فرد میشود، از نظر فراروانشناسی و ملاصدرا، میتواند منجر به برخی تجارب معنوی گردد.

۷. فراروانشناسان در تبیین خوابهای انسان، به ضمیر ناخودآگاه او توجه کرده‌اند. ملاصدرا علاوه بر آنکه اهداف و همم نفس را در خواب مؤثر دانسته، اتصال به مبادی عالم را در کشف حقایق در خواب، عامل رؤیاهای صادقانه معرفی کرده است.

۸. یکی دیگر از موضوعات مشترک میان آراء ملاصدرا و فراروانشناسی مراقبه است که در آن فرد به نوعی از آگاهی دست می‌یابد. در سنت عرفان اسلامی گزارشهایی از امور غیبی موجود است که در آن، عارف بوسیله مراقبه و برخی ریاضتهای شرعی، به نوعی هوشیاری و آگاهی دست می‌یابد. بنظر میرسد مراقبه اسلامی با روشهای موجود در مدیتیشن و مراقبه، از حیث روش و قیود یکسان نبوده و متفاوتند.

۹. سرانجام، بنظر میرسد با توجه به مبانی مختلف فلسفه اسلامی، بویژه حکمت متعالیه، میتوان به برخی از پرسشهای جدید در حوزه مباحث فراروانی پاسخ داد. همچنین تفاوتها و شباهتهای میان آراء ملاصدرا و اندیشمندان غربی در تبیین مباحث فراروانی، میتواند زمینه تحقیقات بیشتری را برای علاقمندان فراهم سازد.

پی‌نوشتها

۱. فرانس آنتون مسمر (۱۸۱۵-۱۷۳۴)، پزشکی آلمانی بود. بسیاری آزمایشها و تحقیقات او را در هیپنوتیزم پیشرو دانسته‌اند. او بنیانگذار نظریه مغناطیس حیوانی بود. وی ادعا میکرد که بوسیله نیروهای ناشناخته در بدن انسان و حیوان میتواند بیماریها را درمان کند. گرچه افرادی چون لاوازیه، شیمیدان بزرگ و بنیانگذار شیمی نوین،

درمورد ادعاهای وی تردید کرده‌اند، اما تلاشهای او تأثیری شگرف بر مسیر هیپنوتیزم گذاشت (Tikkanen, 1998).

منابع

براون، بت (۱۳۷۱) تله‌پاتی ذهنی، ترجمه غلامحسین اعرابی، تهران: آبتین.

دیباچی، محمدعلی (۱۳۸۷) «نبوات در فلسفه ملاصدرا»، قیسات، شماره ۵۰، ص ۲۰۰-۱۸۱.

رادین، دین (۱۳۹۳) ذهنهای در هم تنیده: تجربیات فراحسی در یک واقعیت کوانتومی، ترجمه فرهاد توحیدی، تهران: فرهاد توحیدی.

راین، جی. بی. (۱۳۷۱) درآمدی بر فراروانشناسی، ترجمه امیر راسترو، تهران: فراروان.

روگو، اسکات (۱۳۷۳) اثر روان بر ماده، ترجمه سیدرضا جمالیان، تهران: جمال‌الحق.

شایسته، ریحانه؛ علمی سولا، محمدکاظم؛ حسینی شاهرودی، سیدمرتضی (۱۳۹۸) «تأویل روان‌شناسانه اندیشه ملاصدرا در مسئله خواب و بررسی مبانی فلسفی آن»، فصلنامه فلسفه، شماره ۳۴، ص ۱۰۵-۸۵.

شرتوک، لئون (بی‌تا) روانشناسی و هیپنوتیزم، ترجمه جهانبخش قاسم‌زاده، تهران: سعیدی.

عطار، فریدالدین (۱۳۷۹) تذکرة الأولیاء، تصحیح رینولد الین نیکلسون، تهران: اساطیر.

علیخواه، محمدمهدی (۱۳۷۱) نیروهای ناشناخته در انسان، تهران: جمال‌الحق.

لایف بوکس، تایم (۱۳۷۹) اسرار ذهنی، ترجمه رخشنده عظیم، تهران: نسل نواندیش.

- مک‌گیل، اورماند (۱۳۷۲) دایرةالمعارف هیپنوتیزم، پدیده‌های اصیل هیپنوتیزم آموزشی و نمایشی، ترجمه سیدرضا جمالیان، تهران: جمال‌الحق.
- ملاصدرا (۱۳۶۶) عرفان و عارف نمایان (کسر اصنام الجاهلیة)، ترجمه محسن بیدارفر، تهران: الزهرا.
- (۱۳۸۱الف) المبدأ والمعاد، ج ۲، تصحیح و تحقیق محمد ذبیحی و جعفر شاه‌نظری، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۱ب) الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۶، تصحیح و تحقیق احمد احمدی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۱ج) الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۵، تصحیح و تحقیق رضا محمدزاده، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۲) الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة، تصحیح و تحقیق سیدمصطفی محقق داماد، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۳) الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة، ج ۱، تصحیح و تحقیق غلامرضا اعوانی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۶) مفاتیح الغیب، تصحیح و تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۷) شرح اصول کافی، ج ۵، تصحیح و تحقیق سبحانعلی کوشا، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۸۹) اسرار الآیات و انوار البینات، تصحیح و تحقیق محمدعلی جاودان و سیدمحمد رضا احمدی بروجردی، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- (۱۳۹۰) رساله سه اصل، تصحیح و تحقیق سیدحسین نصر، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- هیلگارد، ارنست و دیگران (۱۳۹۴) زمینه روان‌شناسی، ترجمه محمود ساعتچی و دیگران، تهران: گپ.
- یونگ، کارل گوستاو (بی‌تا) تحلیل رؤیاه، ترجمه رضا رضایی، تهران: افکار.
- Tikkanen, A. (1998). Franz Anton Mesmer. *Britanica Encyclopedia*; www.britannica.com:2023:8/5.
- Tressoldi, P. E., Storm, L., & Dean, R. (2010). Extrasensory perception and quantum models of cognition. *Neuro Quantology*, vol. 8, pp. 81-87.